



جوانان و فعالانی که در ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۱۵ در حال تدارک یک راهپیمایی برای دفاع از پناه دادن به مهاجران بودند، هرگز فکر نمی‌کردند که چند ساعت بعد از مراسم انتخاب رهبری آینده حزب کارگر، جرمی کوربین را در جمع خود ببینند. انتخاب کوربین با ۹/۵۹ درصد آرا در حزب، موجی از امید را در میان آنها برانگیخت. روز قبل از آن، مجله گاردین در توصیف کوربین نوشته بود «این نماینده مجلس خوش‌سخن چپ‌گرا نه سیاستمداری حرفه‌ای و نه ایدئالیستی ساده‌لوح است». روی پلاکاردهای طرفداران کوربین نوشته شده بود: «من به شکل جدیدی از سیاست رای می‌دهم». اما برای قدیمی‌ترهای حزب قضیه ابعاد دیگری داشت که باعث شده بود کابوس‌های شبانه‌شان دوباره بازگردد.

هنگامی که در میان شکفتی همگان جرمی کوربین به رهبری حزب کارگر انگلستان برگزیده شد، همه نگاه‌ها به مثلی از معترضان قدیمی در حزب جلب شد؛ مثلث جرمی کوربین، جان مکدانل و «دیان ابوت» که هر سه از رادیکال‌های جناح چپ بودند و تا همین یک دهه قبل کسی اصلاً تحویل‌شان نمی‌گرفت. یا آن‌طور که «اندی بکت» خبرنگار گاردین می‌نویسد «در اکثر ادبیاتی که از دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ درباره حزب کارگر تولید شده - همه آن شایعه‌نویسی‌ها، روزانه‌نویسی‌ها و زندگینامه‌ها، بررسی‌های اطمینان‌برانگیز روزنامه‌نگارها و تاریخ‌نویس‌ها و تحلیل‌های محتاطانه دانشوران علوم سیاسی - فقدان بزرگ به چشم می‌خورد؛ فقدانی که از زمان انتخاب کوربین به رهبری حزب، بزرگتر و معمابرانگیزتر نیز شده است. او و رفقای نزدیک‌اش یعنی مکدانل، وزیر فعلی اقتصاد و دارایی «دولت سایه» و «دیان ابوت» وزیر فعلی خانواده در دولت سایه برای دهه‌ها به ندرت صدایی داشته‌اند» (Beckett, 2017). این در حالی بود که از سال ۱۹۸۳ که کوربین به نمایندگی پارلمان انتخاب شد تا سال ۱۹۹۳، خانه بلر در لندن دفتر تبلیغات انتخاباتی کوربین بود و مکدانل و ابوت هم از دهه ۸۰ اعضای حزب

در پارلمان بودند. بکت ادامه می‌دهد: «ابوت و مکدائل در آغاز دوران کار سیاسی حرفه‌ای‌شان وضعیتی امیدوارکننده داشتند. بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ مکدائل یکی از اعضای کلیدی و موثر شورای بزرگ لندن بود و ابوت اولین زن سیاهپوستی بود که در سال ۱۹۸۷ عضو پارلمان شد. اما همان‌طور که مکدائل بعدها در یک برنامه مستند گفت، آنها در آخر آن دهه خود را در «برهوت وحشت»، دیدند» (همان).

حزب کارگر از دهه ۸۰ و برای آسوده‌کردن خود از دردهای برنامه‌های رفاهی به دامن لیبرالیسمی فزاینده افتاد که کمی بعد با شکل‌گیری راه سوم تونی بلر در دهه ۹۰ به اوج رسید؛ تونی بلر که جذب و درونی‌کردن برنامه‌های لیبرالی را شرط پیروزی حزب کارگر در انتخابات بعد از سال‌ها ناکامی جا زده بود و آن را در مانیفستی با عنوان «حزب کارگر جدید (new labour)»، زندگی‌ای جدید برای بریتانیا» جمع‌بندی کرد، در یکی از سخنرانی‌های اولیه‌اش در مقام رهبر حزب کارگر بریتانیا گفت «تعادل نیروها در دنیا کاملاً دگرگون شده و اجزای آن شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. این لرزه‌های سیاسی نهایتاً آرام خواهد گرفت، اما پیش از آن باید نظام جدیدی در پیرامون خود بسازیم». این نظام جدید چیزی جز سوسیالیسم‌زدایی از حزب کارگر و بسط اقتصادی سیاسی بازار آزاد نولیبرالی در بریتانیا نبود و بلر چنان در توسعه آن کوشید که همراهی «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور دموکرات آمریکایی را هم به خود جلب کرد.

داستان مثلث کوربین، مکدائل و ابوت از همین زمان آغاز می‌شود: سه عضو سرسخت جناح چپ حزب کارگر که بارها به خاطر اعتراض به برنامه‌های اقتصادی ضدرفاهی بلری و دیگر هم‌حزبی‌های دولتمندشان بازداشت شدند. یکی از وزرای سابق دولت بلر می‌گفت که «مکدائل بدون تسامح، سرسخت و اصلاح‌ناپذیر به نظر می‌آمد، ابوت ذهنی درخشان داشت اما تنبل بود و کوربین آدمی ساده‌لوح که هیچ احساس نزدیکی به حزب کارگر جدید نداشت» (همان). همین سه آدم به‌زعم طرفداران تونی بلر اصلاح‌ناپذیر و تنبل و ساده‌لوح بودند که در سال ۲۰۱۵ حزب کارگر را جانی تازه بخشیدند هرچند «پیتر مندلسون» استراتژیست بلر گفته بود که هدف‌اش قرارداد چپ‌های [رادیکال] پارلمان در «مقبره‌ای مهروموم شده» است (همان). در میان آن‌ها، مکدائل چهره‌ای نظری‌تر و برنامه‌ای‌تر اما دو شکست پی‌درپی برای رسیدن به رهبری حزب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ او را به حاشیه برده بود. کوربین اما پراگماتیک‌تر و سخنرانی مسلط‌تر بود و در سال ۲۰۱۵ توانست شکست‌های مکدائل در به‌دست‌گرفتن رهبری حزب را جبران کند. «ابوت» اولین زن سیاهپوستی بود که در سال ۱۹۸۷ توانست به مجلس عوام راه یابد تا مانند کوربین و مکدائل سهمی مهم در پیشبرد اهداف جناح چپ پیدا کند. پیروزی سال ۲۰۱۵ برای مثلث چپ حزب کارگر اهمیتی تعیین‌کننده داشت و همین پیروزی و انتخاب مکدائل به عنوان وزیر در سایه بود که اسم او را به عنوان برنامه‌ریز و مغز متفکر برنامه‌ای آنها سر زبان‌ها انداخت.

آن‌ها چه می‌خواستند؟

برنامه‌های کوربین و مکدائل را باید در رابطه با چرخش‌های حزب کارگر بریتانیا فهمید. بعد از تغییرات مهم جهانی در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی مانند اوج‌گرفتن تاجریسم و همچنین بحران‌های ادواری سرمایه‌داری بود که در نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی حزب کارگر به رهبری تونی بلر توانست به حاکمیت ۱۸ ساله حزب محافظه‌کار پایان دهد و دولت را به دست گیرد. البته تونی بلر که برنامه‌های سیاسی جدیدش ذیل عنوان «حزب کارگر جدید» صورت‌بندی شد، داعیه‌دار راه سوم هم بود. اصل کار در برنامه‌های بلر کنارنهادن برنامه‌های بازتوزیعی حزب کارگر و حفظ ظاهری اصول آن در کنار اجرای عملی برنامه‌های لیبرالی بود: «در قلب استراتژی سیاسی «راه سوم» که توسط بیل کلینتون در ایالات متحده و رهبران سوسیال دموکرات مانند تونی بلر و «گرهارد شرودر» در اتحادیه اروپا اتخاذ شد این گزاره به چشم می‌خورد: تا هنگامی که فقیران اقلیتی از رای‌دهندگان را

تشکیل می‌دهند، چپ میانه باید از سیاست‌های بازتوزیعی‌ای که ممکن است اکثریت غالب را به ستیزه وادارد، اجتناب کند» (Callinicos, 2000). هرچند برنامه‌هایی برای تعیین حداقل دستمزد و اجرای برخی طرح‌های نیم‌بند رفاهی در دستور کار قرار گرفت، اما در کل دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۰ برای حزب کارگر یعنی دوران رهبری تونی بلر و «گوردون براون» با افول اعتبار حزب کارگر شناخته می‌شود. مهمترین عامل در این افول همراهی ذوق‌زده بریتانیا با آمریکا در حمله به عراق بود و باقی به شکست در برنامه‌های نولیبرالی حزب کارگر جدید بلر/ براون برمی‌گشت. این‌ها همه ضربه‌ای سخت به اعتبار حزب کارگر زد و به نارضایتی بدنه حزب به‌ویژه در اتحادیه‌های کارگری انجامید.

رهبری حزب پس از براون به اد میلیباند رسید. او پسر یکی از شناخته‌شده‌ترین چپ‌های نو اروپایی در دهه ۶۰-۷۰ میلادی یعنی «رالف میلیباند» بود. رهبری ضعیف او و بعد استعفایش زمینه را برای برآمدن جناح چپ حزب فراهم کرد؛ اتفاقی که دگرگونی‌های بین‌المللی و بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ هم با آن همراه بود.

«پیروزی کوربین در حالی به دست آمد که اکثر نمایندگان پارلمانی حزب کارگر و نیز شماری از شخصیت‌های ارشد این حزب از جمله «صادق‌خان» شهردار لندن، «اد میلیبند» (رهبر سابق حزب کارگر)، دیوید میلیبند (وزیر خارجه پیشین انگلیس) و «تونی بلر» از رقیب‌اش «اون اسمیت» حمایت کرده بودند. [...] کوربین پیروزی‌اش در این انتخابات را مدیون اتحادیه‌های بزرگ کارگری و نیز اعضای میانی حزب کارگر و نیز هواداران این حزب خصوصا کسانی است که اخیرا به حزب کارگر پیوستند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۵).

اما پیروزی کوربین، پیروزی مکدائل هم بود. بعد از دو شکست سخت برای رسیدن به رهبری حزب حالا از طریق دوستش می‌توانست حزب کارگر را به سمت برنامه‌های خود بکشانند؛ برنامه‌هایی که عمیقا در تقابل با برنامه‌های چند دهه اخیر در بریتانیا طراحی شده بودند.

اقتصاد برای همگان

مکدائل در مقدمه کتاب‌اش با عنوان «اقتصاد برای همگان» می‌نویسد که بحران سال ۲۰۰۸ شکست مدل اقتصادی نولیبرالی را نشان داده است و «از بحران مالی سال ۲۰۰۸ به بعد این مدل اقتصادی دارد به انتهای مسیر خود می‌رسد» (مکدائل، ۱۳۹۷). آنچه مکدائل «انقلاب اقتصادی در بریتانیا» می‌خواند را باید نه صرفا بازگشت به دولت رفاه دوران جنگ‌های جهانی بلکه از یک‌سو کاستن از ویرانگری‌های ناشی از برنامه‌های نولیبرالی در بریتانیا و از سوی دیگر اجرای برنامه‌های بازتوزیعی و غیرریاضتی درک کرد. در اینجا است که نقش نظریه‌پردازی مشهور برجسته می‌شود: «کارل پولانی» و کتاب مشهورش یعنی «دگرگونی بزرگ». خود مکدائل هم در همان مقدمه به اهمیت پولانی اشاره می‌کند و نقش او را از این نظر مهم می‌داند که در نظریه‌اش نشان داده تهدیدهای برنامه‌های بازار «به یک «جنبش دوگانه» منجر می‌شود که [طی آن از طرفی بازار در پی منقاد کردن جامعه است و از طرف دیگر] جامعه با بازتعریف خود، می‌خواهد خودش را در برابر فشارهای بازار تثبیت کند» (همان).

این رویکرد حتی در میان چپ‌های رادیکال‌تر هم نگاهی مثبت را به تلاش‌های کوربین و مکدائل برانگیخته است. «الکس کالینیکوس» در مقاله‌ای می‌نویسد «کوربین و وزیر اقتصاد و دارایی‌اش در کابینه سایه جان مکدائل و مشاوران‌اش برنامه‌ای را طراحی کرده‌اند که از نولیبرالیسم می‌گسلد حتی اگر چیزی بیش از کینزگرایی و بازملی‌کردنی انتخابی نباشد» (Callinicos, 2018). برای نمونه، مکدائل از وادار کردن شرکت‌ها به سهیم کردن کارگران‌شان در ۱۰ درصد از سهام‌شان یا الزام شرکت‌های دارای بیش از ۲۵۰ کارگر به تاسیس «صندوق مالکیت جامع (inclusive ownership fund)» سخن گفته است. این

صندوق که در آن کارگران نقش سهامدار را دارند، نمونه‌هایی در آمریکا (صندوق همبستگی آمریکایی (ASF)) و در سوئد (برنامه میدنر (MP)) دارد. طرح مکدائل در سطح شرکت‌هاست، اما طرح (ASF) در سطح اجتماعی عمل می‌کند و برنامه (MP) در سطح بخش‌ها. به هر حال، صندوق مالکیت جامع می‌تواند تغییری جدی در روابط میان کار و سرمایه ایجاد کند. این کارها را باید در کنار برنامه‌های عمومی‌تر مانند اخذ مالیات‌های بیشتر از ثروتمندان و سیاست‌های مرتبط با تأمین اجتماعی قرار داد. خود مکدائل در یکی از پست‌های وبلاگ‌اش نوشته بود که «ما می‌پذیریم که هزینه‌کرد مالیات‌های عمومی کمکی است به رفع کسری بودجه، اما مالیات‌های مورد نظر ما، مالکان با درآمد متوسط و پایین و به‌ویژه فقرا را نشانه نمی‌گیرد بلکه یارانه‌های پرداخت‌شده به مالکان بزرگی را که سودهای کلان‌تر از بازار مسکن می‌برند و یارانه پرداختی ۹۳ میلیارد دلاری به شرکت‌ها و کارفرمایانی را نشانه می‌رود که کارگران را از طریق دستمزد پایین استثمار می‌کنند» (Hunt, 2015).

تلاش کوربین به عنوان رهبر حزب کارگر و مکدائل به عنوان وزیر در سایه اقتصاد و دارایی‌اش خشم دست‌راستی‌های درون حزبی و بیرون از حزب را برانگیخته است. از استعفای برخی از اعضای دولت در سایه تا هیاهو بر سر حرف‌های کوربین که به یهودستیزی متهم شد و بحران اخیر ترور بیوشیمیایی جاسوس دوجانبه روس ضربه‌هایی هستند بر پیکر جریانی که در بریتانیا از عدالتخواهی و بازتوزیع ثروت سخن می‌گوید. رسانه‌های دست‌راستی مانند «فایننشیل تایمز» کار را به جایی رسانده‌اند که می‌گویند «بزرگترین تهدیدی که کوربین با آن روبه‌رو است، خود مکدائل است».

توفان برگزیت و بودجه

برنامه‌های مکدائل در بحث‌های اخیر حول بودجه سوم پیشنهادی دولت کنونی بریتانیا به ریاست «فیلیپ هاموند» نمود بیشتری یافته است؛ هرچند تناقضات و مسائل آن را هم رو می‌کند. «ترزای می» در سخنانی که در تاریخ معاصر محافظه‌کارهای توری^۱ عجیب بود و تعجب هم‌حزبی‌های‌اش را برانگیخت، خبر از «گشادکردن کمربندها» داد تا «فیلیپ هاموند» رییس خزانه‌داری علیاحضرت «رئوس» بودجه اخیر را با خیالی آسوده‌تر اعلام کند. نکته این است که به‌رغم صحبت‌های ترزای می و گزارش هاموند، تنها راهی که محافظه‌کاران و لیبرال‌ها برای حل استقراضی‌شدن اقتصاد انگلستان که در حال گسستن پیوندهایش از اتحادیه اروپاست، دارند، طراحی بودجه انقباضی و به اصطلاح «سفت‌کردن کمربند»‌هاست. هرچند برنامه‌های انقباضی از یک دهه قبل وضع شده، اما اینها از دهه ۸۰ تا امروز برای حل مسائل اقتصادی، یکسره به برنامه‌ها و سیاست‌های پولی دل بسته‌اند. در این میان، برگزیت فشار مضاعفی ایجاد کرده است. پیش‌تر در دورانی که انگلستان عضو فعال اتحادیه اروپا بود، تأثیرات مخرب سیاست‌های انقباضی می‌توانست در گستره اقتصادهای اتحادیه سرشکن شود، اما اکنون برای اقتصاد گیرافتاده در جزیره اوضاع فرق می‌کند. «ماتیو دانکونا» تحلیلگر گاردین در یادداشتی برگزیت را توفانی سهمگین تشبیه کرده که بودجه و برنامه‌های هاموند را در خود خواهد بلعید.

در اینجاست که برنامه آلترناتیو حزب کارگر به رهبری کوربین و نقش مکدائل در دولت سایه - هرچند با فرازونشیب‌هایی همراه شده است - نمود بیشتری می‌یابد. آنها که در همان آغاز هم از پایان‌دادن به سیاست‌های نولیبرالی انقباضی که «تنها به فقیرتر شدن مردم» می‌انجامد، سخن می‌گفتند، با مخالفت با بودجه سال ۲۰۱۸ هاموند و دولت اقلیت «ترزای می» مشخصاً برنامه آلترناتیو خود را در میان گذاشته‌اند. هرچند اکنون برخلاف انتظار با معافیت‌های مالیاتی در بودجه حزب محافظه‌کار موافقت کرده‌اند چراکه بر مالکان متوسط و سرپرستان نیز فشار وارد می‌کند اما چشم‌انداز کلی‌شان به‌ویژه در مورد کلیت بودجه، جلوگیری از واردکردن فشار بر طبقات پایین است.

اما تعارضات و تغییراتی در رویکرد مکدائل مشاهده می‌شود که تأمل‌برانگیز است. او در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۸ گفته بود که حزب کارگر معافیت‌ها را برمی‌گرداند و به سیاست ریاضتی پایان می‌دهد. اما چند روز بعد، از همراهی با معافیت‌های مالیاتی گفته بود. هرچند چنین تغییر موضعی می‌تواند ناشی از بده‌بستان برای لغو طرح اعتبار جامع (Universal credit یا UC) [۱۱] باشد، همان طوری که «اسپارو» تحلیلگر گاردین گفته است (نک. Sparrow, 2018) اما هرچه باشد باعث اعتراضاتی در درون حزب و نمایندگان هم‌حزبی‌اش شده است. با این وجود، مکدائل با قاطعیت گفته است که «حزب یک بودجه آلترناتیو آماده کرده است تا زمانی که قدرت را در دست گرفت، آن را به کار ببندد» (Jooly, 2018). اما هنوز معلوم نیست که آینده چنین برنامه‌هایی چه خواهد بود.

به هر حال می‌توان در این پهنه، جنگی تمام‌عیار بر سر برنامه‌ها و قوانین رفاهی را تشخیص داد. رویکرد پراگماتیستی مکدائل بدون شک او را به سمت همراه‌کردن حداکثری احزاب و گروه‌ها می‌برد؛ چیزی که در برخوردش با معافیت‌های مالیاتی که بیشتر به دست شرکت‌های بزرگ و مالکان می‌رسد، مشهود است اما از سوی دیگر، منافع شرکت‌های بزرگ و سیاست‌های سرمایه‌داران به سمت مطالباتی تمایل دارد که فشار را بر اقشار پایین بیشتر می‌کند. حال باید ببینیم آیا مکدائل و کوربین می‌توانند بدون عقب‌نشینی از اهداف و برنامه‌های‌شان که باعث پیروزی‌شان در رسیدن به رهبری حزب شد، در این میدان نیز پیروز شوند یا بار دیگر با تونی بلری با شعارهایی به ظاهر رادیکال‌تر روبه‌رو خواهیم شد؟

آینده دشوار

بدون شک مطالبات عدالتخواهانه مانند آموزش رایگان، بازتوزیع امکانات و ثروت، گرفتن مالیات بیشتر از ثروتمندان و جلوگیری از برنامه‌های نولیبرالی که رفاه عمومی را نشانه می‌گیرد، مطالبات بخشی بزرگی از طبقه کارگر و طبقه متوسط بریتانیا است. دهه‌ها اجرای برنامه‌های ریاضتی چیزی جز فقر و محرومیت بیشتر نداشته است. مکدائل به درستی می‌نویسد که «شوراهای شهر تحت کنترل حزب کارگر منتظر انتخاب بعدی نشده و کارشان را از همین حالا آغاز کرده‌اند. زخم‌خورده از سیاست‌های ریاضتی، آنها ناگزیر از رسیدن به راه‌حل‌های خلاقانه برای حفظ خدمات عمومی شهری و اقتصاد محلی‌شان بوده‌اند». حزب کارگر بریتانیا به رهبری کوربین و مکدائل اگر می‌خواهد در آینده نزدیک قدرت در دست گیرد باید بر همین «راه‌حل‌های خلاقانه» تمرکز کند.

Callinicos, Alex (2000); *equality*; edit. 1; polity press

پیروزی «کوربین» و چرخش حزب کارگر انگلیس؛ منتشره در روزنامه اطلاعات؛ ۲۷ مهر ۱۳۹۵

<http://www.ettelaat.com/etiran/?p=238349>

مکدانل، جان (۱۳۹۷)؛ «اقتصادی برای همگان؛ رئیس برنامه حزب کارگر برای انقلاب اقتصادی در بریتانیا

چیست؟»؛ ترجمه افشین نجاتی؛ منتشره در سایت میدان

<https://meidaan.com/archive/58157>

Callinicos, Alex; *Legends of the fall*; published in *international socialism*; No. 160

(<http://isj.org.uk/legends-of-the-fall/>)

Beckett, Andy; *The wilderness years: how Labour's left survived to conquer*; issued in the Guardian; 3 Nov 2017

(<https://www.theguardian.com/news/2017/nov/03/the-wilderness-years-how-labours-left-survived-to-conquer>)

Hunt, Alex; *A profile of John McDonnell - new shadow chancellor*; publish in BBC

News; 14 September 2015; (<https://www.bbc.com/news/uk-politics-34245371>)

Doward, Jamie, Amy Walker and Michael Savage; *Revealed: How universal credit is fuelling Britain's homelessness crisis*; publish in the Guardian 28 Oct. 2018

(<https://www.theguardian.com/society/2018/oct/27/universal-credit-fuels-homeless-crisis>)

Sparrow, Andrew, *Labour: vote down budget if it fails to halt universal credit rollout*; publish in the Guardian 28 Oct. 2018

(<https://www.theguardian.com/society/2018/oct/28/labour-john-mcdonnell-vote-down-budget-if-it-fails-to-halt-universal-credit-rollout>)

Jolly, Jasper; *John McDonnell says Labour will reverse cuts and 'end austerity'*; publish in the Guardian 25 Oct. 2018

(<https://www.theguardian.com/politics/2018/oct/25/john-mcdonnell-says-labour-will-reverse-cuts-and-end-austerity>)

□ پس از جنگ‌های داخلی انگلستان در سده هفدهم دو حزب سیاسی شکل گرفت؛ حزب توری که بعدها حزب محافظه‌کار از آن بیرون آمد و حزب ویگ که آغازگاه حزب لیبرال شد. البته اکنون تشخیص لیبرال‌ها از محافظه‌کاران در پهنه سیاسی بسیار دشوار است. □ این طرحی بود که در سال ۲۰۱۲ حزب محافظه‌کار برای یکپارچه کردن کمک‌های گوناگون به اقشار کم‌درآمد طراحی کرده بود. پژوهش‌ها نشان داده (نک. Doward, 2018) که عملاً قشر بزرگتری از بی‌خانمان‌ها - کسانی که نمی‌توانستند مبلغ ماهیانه مربوط به آن را بپردازند - را ایجاد کرده و به فقیرتر شدن شهروندان انجامیده است.